

پرورش در سایه آگاهی

پیچیدگی پرورش فرزندانمان از کجاست؟



عصمت یوسفزاده
کارشناس ارشد مشاوره

در پرورش فرزندان، خانواده سالم بر پایه آگاهی رفتار می‌کند، آگاهی از تمام مراحل زندگی انسان که مهم‌ترین آن دوره کودکی و نوجوانی است. در تمام مراحل زندگی شاهد ۲ تحول هستیم: تحول جسمی قابل مشاهده و تحول روانی کمتر آشکار. هر دوی این تحولات مداوم در جریان است و بسیاری از موارد آن پیش‌بینی‌پذیر زیرا بر اساس قانون ثابتی پیش می‌رود.

پس پیچیدگی پرورش فرزندانمان از کجاست؟

+ تجربه‌های عاطفی و روانی همان احساسات و یادگیری است

پاسخ در تفاوت‌های فردی است. تفاوت در روش و سرعت خاص هر کودک، خصوصیات به ارث برده و تربیت خاص والدین است. پس نباید انتظار داشته باشیم همه کودکان رفتار یکسانی داشته باشند. همچنین از تفاوت‌ها و ویژگی‌های خاص کودک استقبال کنیم چون همین

ویژگی‌های مستقل است که ما را به هم علاقه‌مند می‌کند. اگر شبیه هم بودیم، هیچ لذتی در ارتباطات نبود. البته روش‌های تربیت حتی در یک خانواده از فرزندی به فرزند دیگر بر اساس زمینه پذیرش خودش باید متفاوت باشد. مثلا روش کنترل قدرتمندانه درباره همه پاسخ

مساعد به همراه ندارد. برای ایجاد ارتباط و توانایی سازگاری با محیط و در نتیجه تعادل روانی باید زبان کودکان را یاد بگیرید و با تجربه‌های عاطفی و روانی

رشد تفکر منحصر به هر کدام آشناتر شوید. این تجربه‌های عاطفی و روانی در محیط رخ می‌دهد که بیشترین اثر آن توسط والدین منتقل می‌شود. تجربه‌های عاطفی و روانی همان احساسات و یادگیری است که در ترکیب خصوصیات ارثی، تربیتی و سرعت خاص او برایش حاصل می‌شود. والدین با مدیریت این تجربه‌ها او را قادر می‌کنند برخورد‌های اجتماعی لازم برای زندگی در خانواده یا جامعه را یاد بگیرد و شخصیت مخصوص به خود را داشته باشد. بر اساس این تجربه‌ها روش تفکر او شکل می‌گیرد و بر اساس روش تفکرش با محیط و مسائل زندگی برخورد می‌کند. تجربه‌ها به کودکان دانش می‌دهند مثلا اگر پدر و مادر به روش درست محبت کنند، دانش عاطفی شکل گرفته در ذهن کودک برای همیشه این خواهد بود که پدر

و مادر برای دوست داشتن وجود دارند.

این باورها و دانش‌ها یک چهارچوب ذهنی برای کودک ایجاد می‌کند که کودک همه اطلاعات خود را درباره دنیا در قالب آن سازمان می‌دهد.

خبر خوب اینجاست که تجربه‌های جدید می‌توانند این چهارچوب را تحت تأثیر قرار دهند، و آگاهی‌های قبلی و جدید با هم هماهنگ می‌شوند. چنین خصوصیتی باعث می‌شود او بتواند دنیا را به صورت واقعی بشناسد و بپذیرد، یعنی سازگار شود. رشد اصول مشخصی دارد که برای ۲ هر جنس یکسان است. هرچه تجربه‌ها بیشتر با مدیریت و هدفمندتر باشد، توانایی سازگاری دختر و پسر افزایش می‌یابد. هر ۲ جنس نیازمند تجربه‌های

مدیریت‌شده هستند و هرچه بخواییم شخصیتی متعادل تر و سازگار تر داشته باشند، باید تجربه‌های عاطفی و روانی و اجتماعی بیشتری داشته باشند.

+ تجربه‌های قابل یادگیری را طبق جنسیت تفکیک نکنیم

برای اینکه دختران ما در اجتماع



بزرگ خارج از خانواده اعتماد به نفس داشته باشند اصول زیر را رعایت کنیم:

در رفتار خود به دخترمان بیاموزیم که از ابزار قدرتمند احساسات استفاده کند. احساس عصبانیت و ناراحتی حسی عادی است. پس باید دلیل آن به روش درست شرح داده شود. درباره‌اش حرف بزنیم و به حرف‌های او گوش دهیم. دختران باید در گروه‌ها جای بگیرند، گروه دوستان، گروه سرگرمی، گروه ورزش و غیره، تا حس استقلال تمام وجودشان را پر کند. آن‌ها در گروه اعطاف‌پذیر خواهند شد. قدرت سازگاری در عین شادی و حل مسائل، توانمندی حاصل از گروه‌های کوچک ابتدایی است. دختران را بی‌قیدوشرط دوست بداریم و شفاف باشیم. افکارمان، برداشت‌هایمان از رفتار و احساسات آن‌ها و هدف‌هایی را که

برایش داریم شفاف شرح دهیم.

نقدبسه زمانی
کارشناس ارشد پژوهش هنر



وصلت با سودابه و جنگی که درگرفت

+ کی کاووس پادشاه ایران زمین بود که وصف دختر شاه هاماوران را شنید. قصد کرد با او ازدواج کند، و یکی از نزدیکان را نزد شاه هاماوران فرستاد.

نماینده سودابه را برای کی کاووس خواستگاری کرد اما پدر سودابه دلش از غم رفتن دختر به درد آمد. از طرفی، اگر پاسخ منفی به فرستاده می‌داد، احتمال جنگ از سمت شاه ایران با هاماوران وجود داشت. از سودابه نظرش را پرسید:

چه گویی همی و هوای تو چیست بدین کار بنگر که رای تو چیست سودابه راضی به این وصلت بود. پدر نیز راضی به رضای دختر شد و به یک هفته نکشیده، سودابه به همراه چهیز به صدها شتر و اسب که

همگی بار جواهر و زر داشتند راهی ایران‌شهر شد. شاه هاماوران از دوری یگانه دخترش در رنج بود. چاره‌ای اندیشید و فرستاده‌ای سوی کی کاووس فرستاد و او را به هاماوران دعوت کرد. سودابه که پدر را می‌شناخت، دلش به این رفتن رضا نشد و به کاووس کی گفت کاین رای نیست

تو را خود به هاماوران جای نیست کی کاووس گوش به سخن سودابه نکرد و عزم رفتن کرد. چون شاه ایران با همسر و سران لشکر و همراهانش به آنجا رسید، با استقبال مردم و شاه روبه‌رو شد. یک هفته‌ای به خوشی گذشت که ناگهان شبی به دستور پدر سودابه، کی کاووس و سردارانش در بند شدند. چو سودابه پوشیدگان را بدید به تن جامه خسروی بر درید

سودابه رو به قربان شاه هاماوران گفت: اگر همسرم در بند است، مرا هم اسیر کنید. چون سخن به گوش پدر رسید، از روی خشم دستور اسارت سودابه را داد و او نیز در قلعه‌ای که کی کاووس اسیر بود در بند گرفتار شد.

سپاهی که همراه شاه ایران آمده بود، بی‌شاه و سردار به ایران بازگشت. خبر اسارت شاه ایران چون به گوش حاکمان شهرها رسید،

سر به شورش برآوردند. از طرفی، شاه توران زمین، افراسیاب، نیز قصد عزیمت به ایران و تسخیر کشور کرد و با ایرانیان وارد جنگ شد. سپاه ایران بی‌فرمانروا شکست خورد و به سیستان آمد و رستم را از اوضاع باخبر کرد. رستم نیز عزم جنگ با هاماوران کرد. خبر لشکرکشی رستم به گوش شاه هاماوران رسید و از شاه مصر و بربرستان کمک خواست. روز جنگ فرارسید اما قبل آن، رستم پیکی سوی کی کاووس دربند

فرستاد: ترسم پیروزی ما در جنگ موجب خشم شاه هاماوران شود و تو را آزار رساند. فرستاد پاسخ که مندیش از این نه گسترده از بهر من شد زمین

و دیگر که دارنده یار من است پناه است و مهرش حصار من است رستم جنگ را آغاز کرد و بسیاری از سپاه دشمن کشته شدند و شاه بربرستان اسیر شد. چون این اوضاع را شاه هاماوران دید، به رستم قول آزادی کی کاووس را داد. بدین سان، شاه ایران و سرداران آزاد شدند و بازگشتند. در ایران نیز با افراسیاب جنگیدند و افراسیاب که کشته‌های سپاه را دیده بود، پا به فرار گذاشت و ایران دوباره پیروز میدان شد.

ببینید، تردید نکنید که حرف‌های او می‌تواند برای زنانی که هم علاقه دارند تأثیر اجتماعی داشته باشند و کار کنند و به علایقشان برسند و هم می‌خواهند مادر باشند، مادری خوب و کافی، کتابی است بسیار خواندنی و مفید.



آن چنان که بودیم
نویسنده: لیلی گلستان

نقدبسه زمانی
کارشناس ارشد پژوهش هنر



وصلت با سودابه و جنگی که درگرفت

+ کی کاووس پادشاه ایران زمین بود که وصف دختر شاه هاماوران را شنید. قصد کرد با او ازدواج کند، و یکی از نزدیکان را نزد شاه هاماوران فرستاد.

نماینده سودابه را برای کی کاووس خواستگاری کرد اما پدر سودابه دلش از غم رفتن دختر به درد آمد. از طرفی، اگر پاسخ منفی به فرستاده می‌داد، احتمال جنگ از سمت شاه ایران با هاماوران وجود داشت. از سودابه نظرش را پرسید:

چه گویی همی و هوای تو چیست بدین کار بنگر که رای تو چیست سودابه راضی به این وصلت بود. پدر نیز راضی به رضای دختر شد و به یک هفته نکشیده، سودابه به همراه چهیز به صدها شتر و اسب که

الهام یوسفی
فعال فرهنگی



شهرزاد

لیلی گلستان آن چنان که بود

+ همه آدم‌ها در زندگی پستی‌ها و بلندی‌های فراوانی را تجربه کرده‌اند، روزهای سختی که جانشان به لبشان رسیده و روزهای شادی که از دل شادی‌هایش خاطره‌های خوش به جا مانده. دقیقاً این اسمش «زندگی» است. بعضی آدم‌ها اما زندگی پیچیده‌تر و پرفرازو فرودتری داشته‌اند، آن قدر که زندگی‌شان می‌تواند الهام‌بخش بسیاری از آدم‌ها باشد. شک ندارم که لیلی گلستان یکی از آن آدم‌هاست، نویسنده، مترجم، گالری‌دار و بیش از هر چیز یک مادر پرکار. یک بار در یادداشت کوتاهی به نام «مادر بودن و کار کردن» که در همین کتاب که می‌خواهیم به شما معرفی کنیم هم وجود دارد، نوشته بود: «روزی خبرنگار از من پرسید: شما بیشتر مترجم هستید یا گالری‌دار؟ در جوابش گفتم: یک مادر حمال!»

همه کسانی که سری در کتاب‌خوانی دارند لیلی گلستان را به واسطه ترجمه‌های خوش از شاهکارهای ادبیات جهان می‌شناسند. همه کسانی هم که سری در نقاشی و هنر دارند باز لیلی خانم را با گالری‌اش و علاقه‌اش به نقاشی و حمایت از نقاشان جوان می‌شناسند. اما این همه ماجرا نیست. لیلی گلستان مادر ۲ فرزند است. حالا بچه‌هایش سال هاست بزرگ شده‌اند و از آب و گل درآمده‌اند و به موفقیت‌های خودشان رسیده‌اند، اما لیلی گلستان وقتی از آن روزها می‌گوید، گفته‌هایش می‌تواند برای خیلی‌ها جالب و آموزنده باشد. مادری که در اوج تنهایی ۳ فرزند را بزرگ می‌کند با مشکلات و سختی‌های بزرگ

ایراندخت

وقتی زنان روزنامه خوانند



غلامرضا آذری خاکستر
گزارش‌رویزهنگار



+ تاریخ روزنامه و روزنامه‌نگاری در ایران به ۱۸۲ سال قبل مقارن با حکومت محمد شاه قاجار می‌رسد. پس از انتشار نخستین روزنامه‌ها، اخبار و وقایع در سطح جامعه منتشر و مردم با تحولات سیاسی و اجتماعی آشنا شدند. در ابتدا بخش اندکی از جامعه تمایل به مطالعه روزنامه داشتند. به‌خصوص در بین قشر روشن‌فکر و باسواد این موضوع بیشتر انعکاس داشت. اینکه از چه زمانی زنان به مطالعه روزنامه پرداختند یا نخستین زنان روزنامه‌نگار چگونه وارد عرصه روزنامه‌نگاری شدند بخشی از تاریخ مطبوعات محسوب می‌شود که پژوهشگران این عرصه به آن پرداخته‌اند.

مقارن انقلاب مشروطه روزنامه‌ها محبوبیت خاصی بین مردم یافتند. زنان نیز تمایل داشتند با مطبوعات آن عصر همکاری کنند زیرا آن را ابزار مناسبی برای بیان افکار خود و دیگران و ارتباط با دنیای بیرون می‌دانستند. به این ترتیب، نخستین زنانی نیز که کار مطبوعاتی را در ایران آغاز کردند از همین دوران برخاستند. سید فرید قاسمی در کتاب «مطبوعات ایرانی» نخستین زن روزنامه‌نگار ایران را «عزت‌الملک خانم» ملقب به اشرف السلطنه (۱۲۸۰-۱۳۳۳ قمری/ ۱۸۶۳-۱۹۱۴ میلادی) معرفی می‌کند. او فرزند مرحوم عمادالدوله امام‌قلی میرزا، از نوادگان فتحعلی شاه قاجار، و همسر محمدحسن خان اعتماد السلطنه، مورخ مشهور دوران ناصری، بوده است. همچنین از نخستین زنان ایرانی‌ای است که با عکاسی آشنایی داشته و عکس‌هایی نیز به مناسبت‌های گوناگون تهیه کرده است. او در پنجاه و پنج سالگی در مشهد در گذشته است.

برخی نیز از «بی‌بی‌خانم استرآبادی»، نویسنده کتاب «معایب الرجال» به عنوان نخستین بانوی مطبوعات ایران یاد می‌کنند. بی‌بی‌خانم در زمان مشروطه در روزنامه‌های «حبل‌المتین»، «تمدن» و «نشریه مجلس مقاله می‌نوشت، براساس پژوهش ادوارد براون، اولین روزنامه زنان ایران را به نام «دانش» روجه میرزا احسین خان کحال در سال ۱۳۲۸ قمری/ ۱۲۸۹ خورشیدی در تهران منتشر کرد. «شکوفه» دومین روزنامه‌ای است که زنان چاپ و منتشر کرده‌اند. این روزنامه در سال ۱۳۳۱ قمری/ ۱۲۹۲ خورشیدی به مدیریت مریم عمید (مزمین السلطنه) منتشر شد.

از دیگر نشریات تخصصی زنان که در دوره قاجار منتشر شده‌اند می‌توان به مجله «عالم نساء» در تهران در سال ۱۳۳۸ قمری/ ۱۲۹۹ خورشیدی به صاحب‌امتیازی نوا به خانم صفوی اشاره کرد. همچنین «زبان زنان» در سال ۱۲۹۸ خورشیدی توسط صدیقه دولت‌آبادی هر ۱۵ روز در اصفهان منتشر شده یا شهناز آزاد در سال ۱۲۹۹ خورشیدی «نامه بانوان» را به صورت دوهفته‌نامه منتشر کرده است.

در شهر مشهد نیز زنان علاقه‌مند به روزنامه‌نگاری اقدام به انتشار مجله کرده‌اند. در اواخر دوره قاجاریه اولین نشریه بانوان خراسان با عنوان «جهان زنان» در مشهد انتشار یافت. اولین شماره این مجله ویژه بانوان در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۲۹۹ خورشیدی منتشر و در چاپخانه طوس چاپ شد. «جهان زنان» که ویژه بانوان خراسان انتشار می‌یافت، بیشتر مربوط به امور بانوان، تربیت اطفال، آشپزی، شیرینی‌پزی، مقام زن، معرفی زنان نامی و ... بود. درباره اینکه در آن ایام چند درصد از زنان جامعه روزنامه‌خوان بوده‌اند اطلاع دقیقی وجود ندارد ولی محتوای نخستین روزنامه‌ها حاکی از آن است که زنان هم اندکی در اخبار و وقایع داشته‌اند و اغلب وقایع مربوط به زنان اختصاص به حوادث و اتفاقات ناگوار دارد. قطعاً یکی از کارکردهای روزنامه‌ها برای زنان بحث آگاهی، مشارکت‌های مدنی و حضور آنان در فعالیت‌های علمی و اجتماعی در زمان خود بوده است.

(۴)



شهربانو

۲۳ شنبه
۱۳ مرداد ۱۳۹۹
۱۳ دی‌ماه ۱۴۴۱ شماره ۳۲۸

اولین انتصاب بانوان در پست سیاسی استانداری خراسان رضوی

سعیده شکورزاده، دانشجوی دکتری علوم سیاسی، طی حکمی از سوی علیرضا رزم‌چسینی، استاندار خراسان رضوی، به سمت ریاست اداره سیاسی دفتر سیاسی، انتخابات و تقسیمات کشوری منصوب شد.